

روز شمار سقوط (۱)

از فرار شاه

تا ادعای گزاف مرغ طوفان زده!

فرار شاه از کشور را شاید بتوان مهر پایانی بر ۲۵۰۰ سال حکومت طاغوت بر ایران دانست ، هر چند در این روز انقلاب اسلامی به صورت رسمی پیروز نشده بود ولی نوید پیروزی و شواهد این نصرت در افق هویدا بود، بختیار آخرین نخست‌ وزیر شاه که خود را مرغ طوفان خوانده بود دست و پا می زد ولی این دست و پا زدن ها و را بیشتر از آن چه که بود در گرداب فرو می برد و روز ها گذشت و گذشت تا وعده الهی محقق شد …..ان نصر الله بنصر کم و بنیت اقدامکم … روز فرار شاه تا پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی …

این بار بر عکس مردم شاه گریه کرد

مجلس شورای ملی در روز ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷ پس از ۱۵ ساعت بحث و بررسی پیرامون برنامه دولت بختیار سرانجام به دولت رای اعتماد داد . بختیار در پاسخ به موافقین و مخالفین دولت که در مجلس اظهار نظر کرده بودند اظهار داشت « به زودی لایحه تشکیل دادگاه های ملی و لایحه انحلال ساواک تقدیم مجلس خواهد شد . « بختیار گفت « آن چه در برنامه دولت من است در اساسنامه جبهه ملی نیز هست و آن چه که جبهه ملی می خواهد در برنامه دولت خود آورده ام.

با رای اعتماد مجلس به دولت بختیار در ساعت ۱۳/۸ شاه و فرح فرودگاه مهرآباد را ترک کردند . در فرودگاه بختیار ، دکتر جواد سعید رئیس مجلس شورای ملی ، دکتر اردلان وزیر دربار ، معینان رئیس دفتر مخصوص ، سپهبد بدره ای ، سرلشکر نشاط ، فره باغی و عده معدودی از نزدیکان حضور داشتند. شاه هنگام خداحافظی گریان بود .

همزمان با فرار شاه رادیو تهران خبر مسافرت او را انتشار داد و در اندک زمانی مردم به خیابان ها ریخته و شادمانی کردند و باقی مانده مجسمه های شاه و پدرش رضاخان را به زیر کشیدند.

در همین روز امام خمینی اعلام کردند که نمایندگان مجلس و اعضای شورای سلطنت سمنی نثارند و باید استعفا دهند . تصاویر امام خمینی به جای تصاویر شاه در سازمان ها و ادارات دولتی نصب شد .

استغفای مقامات : عزیمت رئیس شورای سلطنت به پاریس

در روز ۲۷ دی امام خمینی طی اعلامیه ای مردم ایران را به آراش دعوت کردند و اعلام داشتند به زودی دولت موقت تشکیل خواهند داد . در این اعلامیه امام خمینی فرار شاه را به عنوان یک پیروزی به ملت ایران تبریک گفتند .

با گذشت زمان مسئولین رژیم شاه که دیگر امیدي به بقای این رژیم ندارند پشت سر هم استعفا می دهند ، در ۲۷ دی گروه پارلمانی حزب پان ایرانیست مرکب از چهار نماینده ملی نامه ای از نمایندگی مجلس استعفا دادند. هشت نماینده نیز از گروه اقلیت مجلس استعفاي خود را تقدیم جواد سعید رئیس مجلس کردند . بختیار نیز امروز با استعفاي یحیی صادق وزیری وزیر دادگستری موافقت کرد .

در همین روز آیت الله مفتح طی اعلامیه ای از مردم خواستند از حمله به ماموران و موسسات جویگری کنند و آیت الله دستغیب نیز تاکید کردند « دشمنان می خواهند بین مردم و ارتش نفاق بیندازند »

سید جلال الدین تهرانی رئیس شورای سلطنت بامداد ۲۷ دی عازم پاریس شد . گفته می شد وی قصد دارد با امام خمینی دیدار و پیرامون اوضاع و احوال ایران با ایشان مذاکره کند .

گفتنی است ارتش امروز در اهواز و دزفول تظاهرات مردم را سرکوب کرده و دهها نفر را به شهادت رساند.

رئیس جمهور آمریکا : قصد دخالت نداریم ولی از بختیار حمایت کنید!

در روز ۲۸ دی تعداد نمایندگان مستعفی به ۲۰ نفر رسید . امام خمینی در این روز خواستار استعفاي وزرای کابینه شدند و اعلام کرده شاه مخلوع است و محاکمه خواهد شد .

با نزدیک شدن به اربعین و پیش بینی تظاهرات گسترده در این روز سفارت آمریکا به اتباع خود توصیه می کند که روز اربعین از خانه های خود خارج نشوند . ارتش نیز اعلام می کند به مناسبت راهپیمایی اربعین به مدت ۲۴ ساعت فرودگاه مهرآباد بسته خواهد شد .

در این روز همچنین کارتر رئیس جمهور وقت امریکا طی مصاحبه ای ضمن اعلام حمایت خود از دولت بختیار می گوید « معتقدیم آیت الله خمینی به دولتی که اکنون طبق قانون اساسی تشکیل شده است فرصت موفقیتی می دهند . کارتر در عین حال گفت : ما قصد دخالت در ایران و یا هیچ کشور دیگری نداریم.»

بزرگ ترین راهپیمایی تاریخ ایران به مناسبت اربعین

در روز ۲۹ دی به مناسبت اربعین حسینی و دعوت امام خمینی به راهپیمایی گسترده مردم ، تهران و سایر شهرهای کشور شاهد بزرگترین راهپیمایی تاریخ ایران بود. مردم در این راهپیمایی بر غیر قانونی بودن سلطنت و خلع شاه ، برقراری جمهوری اسلامی ، تشکیل شورای انقلاب اسلامی ، برکناری دولت بختیار، ملت شدن قوای نظامی به ملت ، استعفاي وکلاي و مجلس و اضاای شورای سلطنت تاکید کردند .

متعاقب این حرکت گسترده مردمی امام خمینی راهپیمایی مردم را به عنوان یک همه پرسی برای تشکیل جمهوری اسلامی قلمداد کردند .

لاف گزاف مرغ طوفان زده

در روز ۳۰ دی بختیار آخرین نخست وزیر رژیم طاغوت طی مصاحبه ای اعلام کرد « با سقوط من ارتش کودتا می کند . حاضر نیستم قدرت را به آیت الله خمینی واگذار کنم . «

وی همچنین در ادعایی مشخص گفت « از پشتیبانی به دهم آیات عظام در داخل کشور برخوردارم»

در این روز همچنین جلال الدین تهرانی رئیس شورای سلطنت در پاریس تقاضای ملاقات با امام خمینی کرد که ایشان دو شرط را برای ملاقات قائل شدند : ۱- استعفا از شورای سلطنت ۲- غیرقانونی اعلام کردن شورای سلطنت.

پاسخ امام خمینی به ادعای مداخله جویانه کارتر

رویتز نیز در گزارشی اعلام کرد « آیت الله خمینی دیروز در خواست جیمی کارتر رئیس جمهور آمریکا را برای آراش رد کرد و گفت : قدرت های بزرگ باید از دخالت در امور داخلی ایران اجتناب کنند»

رویتز در ادامه گزارش خود آورده است « رهبر ۷۸ ساله شیعیان در

بایانه ای که خطاب به خبرنگاران خوانده شد گفت : اگر دولت های خارجی به ویژه ابرقدرت ها از دخالت در امور داخلی ایران دست بردارند آراش و ثبات در ایران برقرار خواهد شد».

چنان چه گفته شد جیمی کارتر رئیس جمهور آمریکا در یک کنفرانس مطبوعاتی از امام خمینی خواسته بود از شاپور بختیار نخست وزیر حمایت کند و به وی فرصت پیروزی دهد امام خمینی همچنین تاکید کردند «تعیین قانونی بودن یا نبودن دولت ایران به عهده کارتر نیست».

مطبوعات جهان درباره امام (ره) نوشتند: امام

خمینی (ره) شرق را شگفت زده کرد، غرب را لرزاند، عرب را در تنگنا قرار داد و خود بدل به مسئله روز جهان گشت.

سالیان سال فضای کشور را سیاهی و تباهی و ظلم و استبداد فرا گرفته بود و جوّ رعب و وحشت در همه جا سایه گسترده بود، هیچ صدای آزادی به گوش نمی رسید و هر صدای مخالفی را طاغوت در نطفه خفه می کرد و آزادگان در بند و زیر شکنجه‌های سخت شهید می شدند. حکومت غاصب پهلوی با حمایت نیروی های استعمارگر خارجی به ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی بر سرنوشت کشور مسلط شده بود. از منابع ملی و منابع عظیم نفتی به خاطر حمایت آنها از رژیم منحوس چشم می پوشید و این منابع ذی قیمت را به رایگان در اختیار آنان می گذاشت.

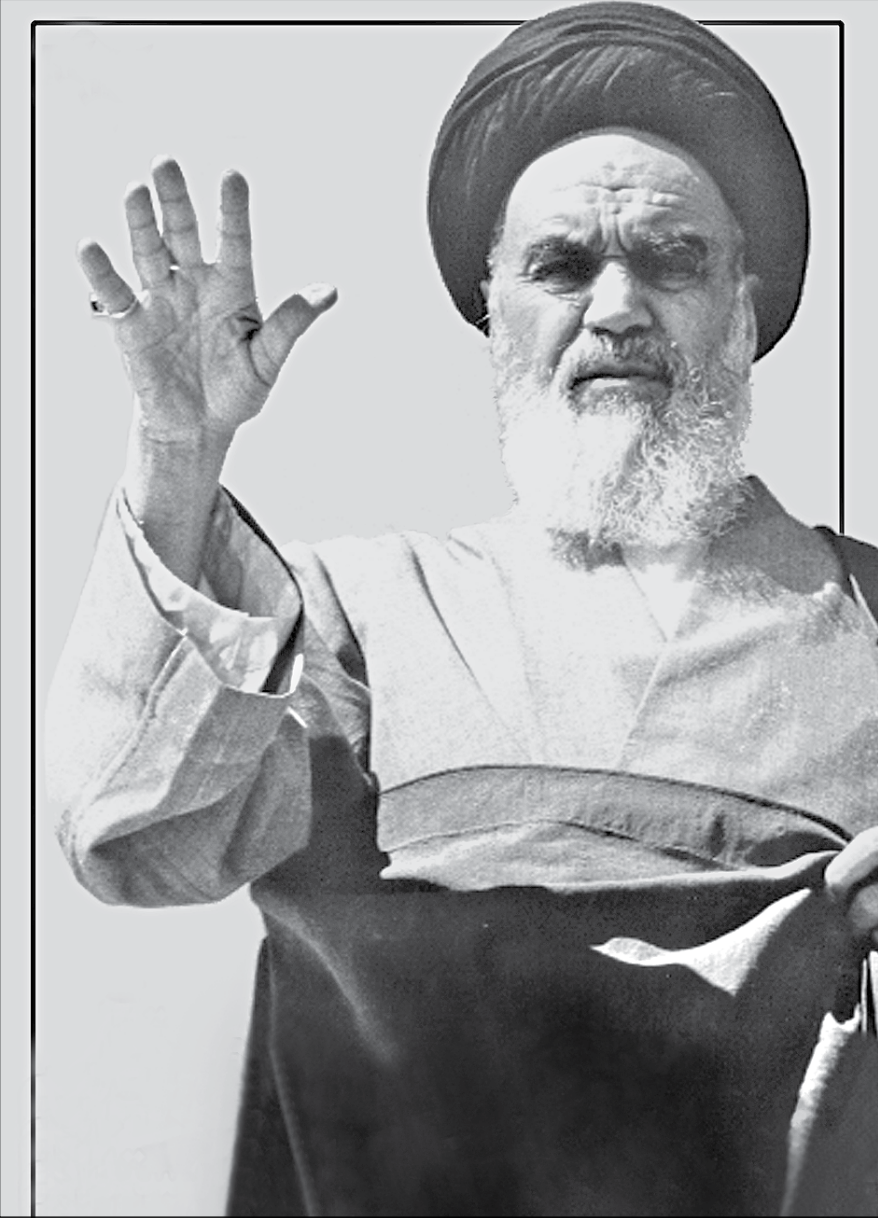
فضای کشور ماتم زده بود، کشور هیچ ابر و باران رحمتی را در افق دید خود تصور نمی کرد، فضا، فضایی ناامیدی بود ولی مومنین در راز و نیاز شبانه خود از خداوند رحمان تقاضای باران رحمت الهی می نمودند و امید به رحمت بی‌منت‌های خداوند منان بسته بودند، چرا که خداوند خود وعده نصرت و پیروزی به بندگان خالص را داده است. سرانجام در سال ۱۳۲۰ هجری قمری همزمان با سالروز تولد بانوی بزرگوار اسلام حضرت فاطمه زهرا (س)، امام خمینی که به حق موسی زمان بود در خانواده ای روحانی و مجاهد در شهر خمین چشم به جهان گشود و در آنجا رشد یافت و در سال ۱۳۳۷ در سن هفده سالگی جهت تحصیل علوم دینی به حوزه ارak رفت و از محضر آیت الله العظمی حائری استفاده کرد، وقتی آیت الله‌حائری از ارak به قم جهت تاسیس حوزه علمیه قم عزیمت نمودند امام نیز به دنبال ایشان به شهر مقدس قم مهاجرت کردند و از محضر استادی همچون حائری، شاه آبادی و بروجردی کسب فیض نمودند تا خود به درجه استادی بریز و توانا نائل آمند. امام (ره) در درس‌هایش از محکوم کردن ظلم و استبداد رژیم ابا نداشتند. رفته رفته صدای ضدید ایشان به حکومت منحوس پهلوی همه جا پیچید و آزادگان از روحانین گرفته تا دیگر اقشار جامعه را متوجه خود ساخت و همه گرد آن وجود عزیز جمع شدند.

امام که نمی توانستند نسبت به سرنوشت قیام مردم بی‌تفاوت بمانند فرصت راغنیمت شمرده و تصمیم به بازگشت به ایران را گرفتند. ۱۲ بهمن سال ۵۷، ورود امام (ره) به ایران همچون بازگشتن خون به رگ های منجمد یکایک مردم مشتاق ایران بود که سالها در آرزوی حکومت اسلامی بودند که تحت لوای یک فقیه الهی اداره شود. ورود امام به کشور نوید بخش دوره‌ای تازه از رونق و شکوفایی معنوی و سمدای بود و همچنین پایانی بود بر ناکامی ها و سردرگمی‌ها. ایشان غرور ملی و عزت اسلامی را به کشور بازگرداندند، امام آمد و همراه خود ندای مبارک رهایی و بانگ خوش آهنگ استقلال و آزادی و زنده باد اسلام را زنده کرد، او سوار

بر حرکت نمود در مسیر اهداف ملیریالیسم و صهیونیسم دو چندان نمود، و با طرح انقلاب سفید قصد انحراف آذهان عمومی را داشت، لیکن برای ملت خدعه و نیزنگ رژیم کراساز نبود و امت همانند آتشفشان به خروش آمد و هیچ قدرتی توان مقابله با سیل ویرانگر ملتی ستم‌دیده بر علیه استبداد و الحاد را نداشت.

اقداماتی چند از سوی رژیم برای متوقف کردن نهضت صورت گرفت، اقداماتی چون کشتار مدرسه فیضیه که صرفاً شعله های این خشم را

ویژه‌نامه دهه فجر



ظلم و استبداد رژیم و نشان دادن چهره زشت نظام حاکم به جهانیان، نمودند و با اعلامیه‌ها و پیام هایی که از طریق توار کاست تهیه می شد توانستند مردم منتظر و انقلابی را به حرکت درآورند، تظاهرات میلیونی مردم در سال ۵۷ به راه افتاده بود و رژیم با حربه تغییر دولتها سعی داشت تا تقصیر را به دوش دولتها بیندازد و با تغییر نخست وزیر های مختلف شخصیت واقعی خود را مخفی نگه دارد. ولی مردم عامل اصلی سبیه روزی های خود را شاه می دانستند و بر شعار سرتنگونی رژیم سلطنت و محاکمه شاه خائن ایستادند و از شعارهایی خود کوتاه نیامدند تا اینکه وی ناچارا از کشور گریخت به این امید که دوباره آمریکا به کمک عوامل داخلی بتواند در این نقطه بود که خشم و غضب مردم نیز بالا گرفت و موج اعتراضات و اظهار خشم و نفرت به حد اعلا رسید و مخالفت‌ها با رژیم با منزل امام شروع شد و توسط دیگر روحانیون به سایر اقشار جامعه تسری یافت. شاه ملعون با مطالبات بحق مردم واقعی نمی نهاد و آنها را محفل رژیم خود و مانی در راه سیاست‌های ضداسلامی خود می پنداشت و سعی خود را در خفه کردن صدای مردم و حرکت نمودن در مسیر اهداف ملیریالیسم و صهیونیسم دو چندان نمود، و با طرح انقلاب سفید قصد انحراف آذهان عمومی را داشت، لیکن برای ملت خدعه و نیزنگ رژیم کراساز نبود و امت همانند آتشفشان به خروش آمد و هیچ قدرتی توان مقابله با سیل ویرانگر ملتی ستم‌دیده بر علیه استبداد و الحاد را نداشت.

اقداماتی چند از سوی رژیم برای متوقف کردن نهضت صورت گرفت، اقداماتی چون کشتار مدرسه فیضیه که صرفاً شعله های این خشم را

تند و تیزتر کرد . امام در واکنش به این کشتارها خشم خود را مستقیماً متوجه شخص شاه نموده و هدف را سرتنگونی او و رژیمش شناسایی و تعریف کردند. رژیم برای مقابله با این سبیل توفنده امام را تبعید کرد به این خیال که نهضت در نبود قطب آن فرو می پاشد. امام (ره) ۱۴ سال را در عراق گذراندند و در این مدت ظلم بر هم نمی گذاشت مگر با این هدف که ظلم و استبداد را ریشه کن می کرد.

امام راحل پس از ممانعت رژیم بعث از ادامه فعالیت های ایشان در رهبری مبارزات اسلامی برای هدایت نهضت راهی کویت شدند ولی وضعیت منطقه اجازه اقامت را به امام نداد و ناچاراً امام راحل راهی پاریس شدند. در پاریس فشارهای وارد شده نیز نتوانست سد راه رهبری امام شود، ایشان از امکانات رسانه ای غرب با هوشیاری تمام حداکثر استفاده را در جهت افشای

ای امام و پیشوای ما، دشمن سعی کردتا تو را از امت جدا کند و تبعید نماید تا بلکه نام بلند آوازه تو را از لابلای کتاب ها، روزنامه ها و منبرها پاک کند تا شاید نام تو از آذهان امت پاک شود.

ویژه‌نامه دهه فجر

بزرگ مردی که شرق را شگفت‌زده کرد غرب را لرزاند

■ مصطفی انصافی

آورد. الحق شخصیت آن عزیز یگانه، شخصیتی است دست نیافتنی و جایگاهش دور از تصور و اساطیر گونه بود.
امام خمینی (ره) یک حقیقت همیشه زنده است، راه او، راه ما، هدف او، هدف ما و رهنمود او، مشعل فروزنده ما است. امام خمینی (ره) علی الظاهر مدرسی بودند و در مسجد سلماسی تدریس می فرمودند، اما اخلاص، صفای باطن و رابطه معنوی و پیوند مستحکم میان ایشان و خدای مقلب القلوب موجب شد که ایشان دستی نیرومند برای برافکندن بنیاد ارزشهای مادی شود. رهبر معظم انقلاب می فرمایند، من ده ساله اول انقلاب را به سه خاطر حضور امام در آن، یک دوران استثنائی می دانم. او نعمت بسیار بزرگی بود و افسوس که از آنزد ما رفت. اگر چه جای خالی امام برای ما سخت و تلخ است، اما میراث گرانبهای معمار بزرگ انقلاب، امام خمینی (ره) حفظ خواهد شد.

آیت الله العظمی گلپایگانی بعد از فوت امام(ره) بیان داشتند که، شخصیتی دعوت حق را لبیک اجابت گفت که با مجاهدت بزرگ و فداکاری ها و رهبری های قاطع و محکم خود، اسلام را در عالم معاصر زنده کرد و ندای تکبیر و توحید را به گوش جهانیان رسانید و مجد و عظمت مسلمانان را به آنان باز گرداند و فریاد کوبنده اش دلهای مستکبران ابر قدرت را به لرزه درآورد.

آیت الله العظمی ارaki نیز بیان داشتند که، کارهای این مرد (امام خمینی) فقط و فقط برای خداست، این مرد از آن کسانی است که اگر در روز عاشورا بود، هفتاد و دو تن، هفتاد و سه تن می شدند. روزنامه تشرین (چاپ دمشق) بعد از وفات امام در مقاله ای چنین نگاشت، جهان اسلام شخصیتی را از دست داد، که تاریخ نظیر او را کمتر به خود دیده است. امام خمینی با روح بلند و با درک عمیق مسئولیت خود در برابر تاریخ، انقلاب بزرگی را علیه شاه، که هم پیمان با امپریالیزم و صهیونیسم بین المللی بود بر قرار ساخت. او کاروان انقلاب اسلامی را با درایت و تدبیر از میان طوفان‌ها، ششزارها و صحرایای مخوف جهان متلاطم امروز به سوی نور، هدایت کرد. امروز امام در میان امت خود نیست، اما او خطی را ترسیم کرد، که به عنوان منشور ابدی مجازده انقلاب باقی خواهد ماند و این منشور مبارزه مستمر با ظلم، نژاد پرستی، استعمار و صهیونیسم است.

عظمت شخصیت امام به حدی بود که حتی

اما آنها نمی‌دانستند که اگر خدا بخواهد مقام و منزلت بنده‌ای را ارتقاء دهد، کیست که مانع کار شود. آری، حضور نام تو ای خمینی کبیر هر روز در دل‌های ما عزیزتر گردید. آنهایی که حتی تو را به افکار خود و رژیم با حربه تغییر دولتها سعی داشت تا تقصیر را به دوش دولتها بیندازد و با تغییر نخست وزیر های مختلف شخصیت واقعی خود را مخفی نگه دارد. ولی مردم عامل اصلی سبیه روزی های خود را شاه می دانستند و بر شعار سرتنگونی رژیم سلطنت و محاکمه شاه خائن ایستادند و از شعارهایی خود کوتاه نیامدند تا اینکه وی ناچارا از کشور گریخت به این امید که دوباره آمریکا به کمک عوامل داخلی بتواند در این نقطه بود که خشم و غضب مردم نیز بالا گرفت و موج اعتراضات و اظهار خشم و نفرت به حد اعلا رسید و مخالفت‌ها با رژیم با منزل امام شروع شد و توسط دیگر روحانیون به سایر اقشار جامعه تسری یافت. شاه ملعون با مطالبات بحق مردم واقعی نمی نهاد و آنها را محفل رژیم خود و مانی در راه سیاست‌های ضداسلامی خود می پنداشت و سعی خود را در خفه کردن صدای مردم و حرکت نمودن در مسیر اهداف ملیریالیسم و صهیونیسم دو چندان نمود، و با طرح انقلاب سفید قصد انحراف آذهان عمومی را داشت، لیکن برای ملت خدعه و نیزنگ رژیم کراساز نبود و امت همانند آتشفشان به خروش آمد و هیچ قدرتی توان مقابله با سیل ویرانگر ملتی ستم‌دیده بر علیه استبداد و الحاد را نداشت.

اقداماتی چند از سوی رژیم برای متوقف کردن نهضت صورت گرفت، اقداماتی چون کشتار مدرسه فیضیه که صرفاً شعله های این خشم را

پیش می تازند و همواره پیروزی نهایی از آن پرهیزگاران است.
امام آمد و با حمایت ملت رژیم شاهنشاهی را برچسید و نظام مقدس اسلامی را بر پا کرد و مردم سالاری دینی را پایه گذاری کرد و طی ده سال با همه دشمنی ها و کارشکنی های استکبار جهانی و تحمیل جنگ هشت ساله، انقلاب اسلامی را با رهبری پیامبر گونه خود توانست به سر منزل مقصود برساند ولی دریغ و صد افسوس که زود از حضرت آیت الله خامنه ای بیست و دو سال با همان صلابت و اقتدار راه انقلاب را با انرژی بیشتری به پیش بردند. امروز انقلاب اسلامی به مراتب قوی‌تر و شکوفا تر از گذشته به راه خود

پیش می تازد و همواره پیروزی نهایی از آن پرهیزگاران است.
امام آمد و با حمایت ملت رژیم شاهنشاهی را برچسید و نظام مقدس اسلامی را بر پا کرد و مردم سالاری دینی را پایه گذاری کرد و طی ده سال با همه دشمنی ها و کارشکنی های استکبار جهانی و تحمیل جنگ هشت ساله، انقلاب اسلامی را با رهبری پیامبر گونه خود توانست به سر منزل مقصود برساند ولی دریغ و صد افسوس که زود از حضرت آیت الله خامنه ای بیست و دو سال با همان صلابت و اقتدار راه انقلاب را با انرژی بیشتری به پیش بردند. امروز انقلاب اسلامی به مراتب قوی‌تر و شکوفا تر از گذشته به راه خود

پیش می تازد و همواره پیروزی نهایی از آن پرهیزگاران است.
امام آمد و با حمایت ملت رژیم شاهنشاهی را برچسید و نظام مقدس اسلامی را بر پا کرد و مردم سالاری دینی را پایه گذاری کرد و طی ده سال با همه دشمنی ها و کارشکنی های استکبار جهانی و تحمیل جنگ هشت ساله، انقلاب اسلامی را با رهبری پیامبر گونه خود توانست به سر منزل مقصود برساند ولی دریغ و صد افسوس که زود از حضرت آیت الله خامنه ای بیست و دو سال با همان صلابت و اقتدار راه انقلاب را با انرژی بیشتری به پیش بردند. امروز انقلاب اسلامی به مراتب قوی‌تر و شکوفا تر از گذشته به راه خود

تمام شخصیت‌های بزرگ مذهبی باید داشته باشند. و آن مقاله این چنین ادامه یافت که، امام خمینی (ره) فوت کرد، اما راه آن خدا شناس امام هم خواهد داشت. امروز تأثیرات پیام ایشان در الجزایر، تونس، مصر، فلسطین حتی آنها که دارای اکثریت سنی مذهب هستند به چشم می خورد. مجله اشپیگل نیز چنین نوشت که، فقط امام خمینی بوده است که به اعتراف حتی دشمنانش در تمامی عرصش یک زندگی همراه با تواضع و محقر و دور از هر گونه نمایات و تجملات دنیوی داشته است و کوچک ترین لکه سیاهی در شرح حال زندگیش دیده نمی شود. توصیفات و تعاریف شخصیت ها و نشریه ها و رسانه های شرقی و غربی در باره امام خمینی(ره) بسیار است ولی قدر و قیمت یافتن امام به دلیل این توصیفات و تمجید ها نیست. امام راه انبیا و اولیاء خداوند سبحان را رفت و زندگی خود را به همین راه شرقی و غربی در باره امام خمینی(ره) تعالی نام و یاد و راهش را جاودانه ساخت. حق، امام یک حقیقت همیشه زنده بوده و هست و راهش در ایران اسلامی به فضل خداوند ادامه خواهد یافت.

صفحه ۶
دوشنبه ۱۴ بهمن ۱۳۹۴
۲۱ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷ – شماره ۲۱۲۷۰

شهیدان انقلاب

شهیدی که به طلاب روحیه انقلابی بخشید



سید مجتبی میرلوحی تهرانی معروف به نواب صفوی، در سال ۱۳۰۳ شمسی در خانواده ای روحانی و اصیل در خانه مخفی در خانی آباد تهران قدم به عرصه وجود گذاشت.سید مجتبی عشق و علاقه زیادی به دروس اسلامی دارد ولی دای وی با او مخالفت می کند.سید مجتبی دست از عقیده خویش بر نمی دارد و در مسجدی که در خانی آباد است شروع به فراگیری درسهای حوزه می کند و همزمان در مدرسه العالیانیه به دروس جدید می پردازد. در سال ۱۳۲۲ سیدمجتبی به استخدام شرکت نفت درآمد و پس از مدت کوتاهی به آبادان منتقل شد. ودر ادامه به دلیل در پیش گرفتن مواضع ضد استعماری بر علیه انگلیسی هارای تکمیل تحصیلات حوزوی خود به نجف رفتند. وی در نجف، یکی از آثار احمد کسروی را که در آن به یکی از امامان معصوم(ع) توهین شده بود مطالعه کرد و چون برخی از مراجع نجف کسروی را مرتد دانستند، از این رو به ایران بازگشت تا کسروی را از آن کار بازدارد.

نساب در سال ۱۳۲۴ طی اعلامیه‌ای جمعیّت «فدائیان اسلام» را تشکیل داد. نخستین اقدام این جمعیّت، تّور مجدد کسروی در ۲۰ اسفند ۱۳۲۴ بود که به قتل وی در جلسه دادگستری انجامید. نساب صفوی در ۲۷ خرداد ۱۳۲۷ بانی تظاهرات عظیمی علیه دولت عبدالحسین هژیر بود. این تظاهرات به فاصله ۴ روز پس از به قدرت رسیدن هژیر به وقوع پیوست. تظاهر کنندگان نمایندگانی را که به هژیر رای داده بودند، مذمت کردند و خواستار عزل او شدند. در ۱۴ آبان ۱۳۲۸، عبدالحسین هژیر، توسط فدائیان اسلام به قتل رسید.

تورعلی زمر،آر.نخست وزیر در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹توسط گروه فدائیان اسلام صورت گرفت که، راه را برای ای ملی شدن صنعت نفت ۱۳۳۰ گشود، اما بلافاصله فدائیان اسلام دستگیر شدند .

انقصاد پیمان نظامی بغداد بود این پیمان، کشورهای منطقه را به عنوان سپر امنیتی و نظامی آمریکا و انگلستان در برابر شوروی در می‌آورد. فدائیان اسلام به عنوان مخالفت با این قرارداد، حسین علاءنخست‌وزیر وقت را در آستانه سفر به بغداد جهت شرکت در اجلاس این پیمان در روز ۲۵ آبان ۱۳۳۴ ترور کردند. اما وی جان سالم به در برد و ضارب دستگیر شد و به دنبال آن نواب صفوی و دیگر اعضای مؤثر فدائیان او آذر آن سال بازداشت گردیدند. آنان تحت شکنجه‌های شدید قرار گرفتند و در دی همان سال در دادگاهی نظامی محاکمه شدند .

سرانجام پس از چند جلسه، دادگاه، نواب صفوی و سه تن دیگر (سید محمد واحدی، مظفر دولقدر و خلیل طلماسی) را به اعدام محکوم کرد. حکم دادگاه در بامداد ۲۷ دی ۱۳۳۴ به اجرا درآمد. آنها پس از شهادت در مسگرآباد تهران به خاک سپردند. مدتی بعد جنازه آنان به قم منتقل شده و در آنجا دفن گردید. مقام معظم رهبری در مورد شهید نواب صفوی می فرمایند: « شهید نواب صفوی غوغایی از شسور و هیجان به وجود آورده بود که تأثیرات او بر روحیه طلاب ، در هنگام شهادتش محسوس بود.

آن کس که در دوره جوانی من، خیلی بر روی من تأثیر گذاشت ، در درجه اول مرحوم نواب صفوی بود.

من به شدت تحت تأثیر شخصیت او قرار گرفتم . به فاصله چند ماه بعد با وضع خیلی بدی شهیدش کردند . این هم تأثیر او را در ما بیشتر عمیق کرد.»

مبارزی با ده‌ها نام مستعار



شهید سید علی اندرزگو در رمضان سال ۱۳۱۸ شمسی در بازارچه گمرک خیابان شوش تهران در یک خانواده متوسط دیده به جهان گشود؛ وی در نوجوانی و سالهای شکل گیری شخصیتش با نواب صفوی آشنا شد. منش و شخصیت این روحانی مبارز در ذهن و ضمیر او اثری ژرف گذاشت و فرایند این تاثیر روحی، آشنایی با تشکیلات فدائیان اسلام و راه مبارزاتی آنها بود که در تعیین شئی مبارزاتی شهید اندرزگو نقش آفرین بود.

شهید اندرزگو در جریان قیام ۱۵ خرداد خود یکی از عاملین تظاهرات پرشسور مردم بود که همان شب با اهدا کتبی از امام مورد تقدیر قرار گرفت پس از واقعه ۱۵ خرداد دستگیر و تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار گرفت.

اعام انقلابی حسعلی منصور با همکاری شهیدان محمد بخارانی ، رضا صفا رهنری ، مرتضی تیک نژاد و حاج صادق امانی جابه عمل پوشید. شهید اندرزگو که ۱۹ سال بیشتر نداشت در این عملیات مسئولیت کند کردن اتومبیل منصور را در محدوده پارس‌ستان بر عهده داشت ، تا شهید بخارانی بتواند با دقت عمل او را از پای در آورد.

پس از این حرکت ، شهید اندرزگو برای اطمینان از مرگ منصور، خود را به او رساند و گلوله دیگری در مغزش خالی کرد و به سرعت متواری شد و از آن بعد زندگی مخفی اختیرا ولی هرگز خود را از مبارزه پس نکشید و مخفیانه مدتی در چندر تهران و سپس قم زندگی و تحصیل علوم حوزوی را ادامه داد. ووقتی رژیم که از یاقتن وی مایوس شده بود او را غیاب محاکمه و به اعدام محکوم کرد. در سال ۱۳۵۱ شمسی ، یکی از دوستان وی دستگیر و در زیر شکنجه‌های طاقت فرسا به مواردی در رابطه با شهید اندرزگو اعتراف کرد و ساواک از سر نخی که به دست آورده بود، در صدد دستگیری وی برآمد، اما او توانست مثل همیشه از دست ساواک بگریزد و به قم برود. در قم مجدداً با نام مستعار با ظاهری دیگر، اتاقی اجاره کرد و مشغول فعالیت شد و با گروههای مبارز مسلمان به برگزاری ارتباط پرداخت و برای آنها پول و اسلحه و مهمات و امکانات فراهم ساخت . بعد از اینکه دوباره ساواک موفق به شناسایی و محل زندگی او شد وی از معر که گریخت و با نامی دیگر و در لباسی متبدل ، خود را به مشهد روانی و به همراه همسرش و به طور پنهانی از طریق زابل و ادهان به افغانستان فرار کرد.

ابوالحسن سپهرنیا، دکتر حسینی، شیخ عباس تهرانی، ابوالحسن نجوی، سیدابوالقاسم واسعی، محمدحسین جوهرچی و... تعدادی از نامه‌ای مستعاری بود که اندرزگو از آن‌ها بهره برد و از طول سال‌های مبارزه از ۲۴ دانشنامه و همچنین گزارش‌های گوناگون استفاده کرد.

سید پس از بازگشت از لبنان به ایران همزمان با جوگیری انقلاب اسلامی تصمیم به نابودی شاه گرفت . لذا با یک برنامه ۶ ماهه ، رفت و آمدهای شاه را تحت نظر گرفت تا بتواند با وارد کدن مواد منفجره از فلسطین ، هدف خود را پیاده کند، لیکن در این امر توفیق نیافت ، لذا دست به کار شد، تا به کمک شخصی در داخل کاخ سلطنتی به این مهم دست یابد که با رویداد شهادت توفیق اجزای آن را از دست داد

بر اساس اسناد یقینمانده در ساواک و دیگر شواهد قطعی سیدعلی اندرزگو، در ۱۹ ماه مبارک رمضان مصادف با دوم شهریور ۱۳۵۷ در گبری ر مسلحانه با نیروهای ساواک به شهادت رسید .



تصویر انقلاب به روایت آرشیو کیهان